

# ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

ویلیام تی. کاوانا | ترجمه سجاد صفارهرندی



سرشناسه: کاوانو، ویلیام تی. ۱۹۶۲ - م.

Cavanaugh, William T

عنوان و نام پدیدآور: اسطوره خشونت مذهبی / ویلیام تی کاوانا؛

ترجمه سجاد صفارهرندی؛ ویراستار سجاد سرگلی و فرشته هدایتی.

تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱۷۹-۰۰

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان «اسطوره خشونت مذهبی: ایدئولوژی

سکولار و تعارض مدرن» با ترجمه ندا شاهنوری توسط انتشارات سرو

اندیشه در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.

رده بندی کنگره: BL۶۵

رده بندی دیویی: ۲۰۵/۶۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۲۳۶۳۱

این اثر ترجمه‌ای است از:

**The Myth of Religious Violence**

William T. Cavanaugh / oxford university press, 2009

## اسطوره خشونت مذهبی

ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

نویسنده: ویلیام تی. کاوانا

مترجم: سجاد صفارهرندی

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: فرشته هدایتی و سجاد سرگلی

بازخوانی متن: میلاد اعظمی‌مرام

طراح جلد: حمید اقدسی یزدلی

صفحه‌آرا: معصومه کریمی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: tarjoman.nashr@gmail.com

www.tarjomaan.shop

فروشگاه اینترنتی:

حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از  
کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای  
انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

۹	مقدمه مترجم
۱۵	سپاسگزاری
۱۷	مقدمه
۳۵	(۱) کالبدشناسی اسطوره‌خوشونت مذهبی
۳۸	سه نوع استدلال
۳۹	دین مطلق گراست
۵۱	دین مطلق‌گراست
۷۳	دین عقلمانیست
۹۰	نتیجه گیری
۹۵	(۲) ابداع مفهوم دین
	دلیلیو
۱۱۳	ابداع دین در غرب
۱۳۵	ابداع مفهوم دین خارج از غرب
۱۵۷	تعریف دین
۱۵۸	رویکردهای ذات‌گرایانه

۱۶۳	رویکردهای کارکردگرایانه
۱۸۱	نتیجه‌گیری
۱۸۷	اسطوره‌آفرینش جنگ‌های مذهبی
۱۸۹	اسطوره‌جنگ‌های مذهبی
۱۸۹	پیشگامان مدرن متقدم
۱۹۶	نظریه سیاسی معاصر
۲۱۱	مؤلفه‌های اسطوره‌جنگ‌های مذهبی
۲۱۳	شواهد تاریخی
۲۶۳	نتیجه‌گیری
۲۶۴	(۴) بهره‌های اسطوره‌خشونت مذهبی
۲۷۲	ساختن دیوار
۲۸۷	غرب و بقیه
۳۰۵	جنگ لیبرال برای آزادسازی
۳۳۰	نتیجه‌گیری
۳۳۷	پی‌نوشت‌ها
۴۱۳	نمایه

## مقدمه مترجم

ویلیام تی. کاوانا استاد دانشکده مطالعات کاتولیکی دانشگاه دوپال و رئیس مرکز کاتولیسیم جهانی و الهیات بین فرهنگی آن دانشگاه است. قلمرو اصلی مطالعات و تخصص او را می توان الهیات اجتماعی یا آن چنان که شایع تر است الهیات سیاسی قلمداد کرد. مقصود از الهیات سیاسی پیگیری و شرح دلالت ها و پیامدهایی است که مضامین و ایده های الهیاتی در قلمرو عمومی و حیات سیاسی داشته اند و می توانند داشته باشند. کاوانا به عنوان یک محقق و متأله کاتولیک عمدتاً بر امکان های موجود در سنت مسیحی برای ورود در مسائل دنیای امروز و مشارکت در حل و فصل مسائل آن از دریچه ای دینی و الهیاتی متمرکز است. از این جهت کار او در امتداد مکتب الهیاتی «ارتدکسی رادیکال»<sup>۱</sup> و کار کسانی چون جان میلبنک قلمداد می شود. ارتدکسی رادیکال جریانی متعهد به سنت الهیات مسیحی است که، برخلاف برخی کوشش های معاصر، پالایش و بازسازی الهیات بر مدار عقلانیت مدرن را در دستورکار خود ندارد. به باور آنان این قبیل نوسازی ها، به قیمت تهی کردن الهیات از حقیقت و غنای درونی اش، صرفاً جایی فرعی و حاشیه ای در صحنه اندیشه و دانش برای آن

دست و پا مى‌کند. درمقابل، آنان درصددند، تا با بهره‌گىرى از امکان‌هاى فراهم‌آمده از نقد پست مدرنىستى روشنگرى و لىبرالىسم، راهى به بازخوانى وفادارانه الهىات مسىحى و دلالت‌هاى آن براى مسائل معاصر همچون عدالت اجتماعى، خسونس، بحران محىط‌زىست، مصرف‌گرابى و ... بگشابند.

كاوانا تاكنون شش كتاب در موضوعات متنوع مربوط به تعامل ميان دين و الهىات با زندگى اجتماعى منتشر كرده كه در ميان آنها كتاب حاضر، اسطوره‌خسونس مذهبى، بىشترىن توجهات و تحسین‌ها را برانگىخته است. در این كتاب، او برخلاف برخى دیگر از آثار خود كمتر در نقش خاص و مشخص متأله مسىحى ظاهر شده است. روىكرد او را در اینجا مى‌توان نوعى از نقد «واسازانه» و تبارشناسى تاريخى قلمداد كرد كه به‌طور ضمنى علايق و دغدغه‌هاى الهىاتى را در بطن خود دارد. در این كتاب او به سراغ اىده‌اى قدرتمند و تعيين‌كننده در فرهنگ و سياست مدرن مى‌رود، يعنى این اىده كه پىوند خاص و مشخصى ميان دين و خسونس وجود دارد و حضور و نقش آفرىنى دين در عرصه عمومى ناگزىر به برانگىخته شدن خسونس خواهد انجامىد. از نظر كاوانا این اىده هم به سبب تصوير معوج و تحريف شده‌اى كه از واقعىت به دست مى‌دهد و هم از جهت نفوذ و اقتدار گسترده‌اى كه در ذهن و عىن جامعه مدرن يافته سزاوار عنوان اسطوره است. این كتاب تلاشى است براى به پرسش كشىدن اسطوره مذکور از خلال تحليل و ارزىابى نقادانه مؤلفه‌ها و عناصر تشكيل دهنده آن.

نویسنده براى این منظور مسىرى كم و بىش نامتعارف را برگزىده است. مسىرى كه بدو براى مواجهه با اسطوره‌خسونس مذهبى به ذهن مى‌رسد مى‌تواند چىزى شبىه این باشد كه خسونس‌هاى مذهبى را در يك كفه ترازو و خسونس‌هاى غىرمذهبى (سىاسى، اقتصادى، نژادى و يا به‌طور عام، چنان‌كه اكنون تعبىر مى‌شود، عرفى يا سكولار) را در كفه دیگر قرار دهىم و با نشان دادن سنگىن تریودن كفه دومى بر بطلان این اسطوره حكم دهىم. اما كاوانا این مسىر را انتخاب نمى‌کند. از نظر او، مسئله نه در تخمین حجم و اندازه خسونس دو طرف كه در نفس تقسىم‌بندى صلب و سخت امور به دو قلمرو كاملاً تفكىك شده دىنى و عرفى است، تفكىكى كه از نظر او نه بخشى از واقعىت عىنى، بلكه پاره‌اى از پىكربندى گفتمانى غرب مدرن است. در این مسىر او به سنتى از مطالعات تاريخ دىن در كار كسانى چون ویلفرد كنتول اسمىت،

جان باسی، طلال اسد، دیوید چیدستر و تیموتی فیتزجرالد ارجاع می‌دهد که، به‌رغم اهمیت آن برای ما، در فضای علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران چندان آشنا نیست. مدعای مرکزی این محققان آن است که مفهوم دین، به‌مثابه نظامی از عقاید و کردارها که مشخصاً در تمایز از امر عرفی یا دنیوی فهمیده می‌شود، بر ساخت و ابداعی مدرن است. از این منظر، اتفاقی که در دوره مدرن رخ داده این نیست که دو جوهر متمایز، یعنی امر دینی و امر عرفی، که پیش‌تر در هم آمیخته شده بودند، از هم تفکیک شده‌اند، بلکه مسئله این است که این دو قلمرو تصویری متمایز در گفتمان مدرن خلق شدند و این خلق مفهومی بستر و مسیر طبیعی آموزه سیاسی عرفی‌گرایی (سکولاریسم) را فراهم ساخت. جان میلبنک کتاب پرنفوذ خود *الهیات و نظریه اجتماعی* را با این عبارت آغاز می‌کند که «روزگاری هیچ [امر] عرفی‌ای در کار نبود». کاوانا در فصل دوم کتاب خود به‌تبع کار اسمیت و دیگران روی دیگر سکه را نشان می‌دهد. در آن روزگار هیچ‌چنان که امر عرفی در کار نبود، امر دینی نیز وجود نداشت. روشن است که مسیحیت، اسلام و سنت‌های آیینی شرق وجود داشتند، اما قلمرو حضور آنان با تفکیک دوگانه دینی/عرفی تعریف و روشن نمی‌شد. فلذا سخن گفتن از خشونت مذهبی یا دینی در بستر تاریخی ماقبل مدرن، که امر دینی از آن غایب است، فاقد توجیه است.

روش کار کاوانا در این اثر از دو جهت فوکویایی است: هم آنجا که به نحوی «دیرینه‌شناسانه» نشان می‌دهد که امر مفروض و بدیهی انگاشته شده تا چه اندازه تاریخی و گفتمانی است و هم آنجا که به سیاقی «تبارشناسانه» پیوندهای میان ایده یا امر گفتمانی را با اقتضات قدرت مشخص می‌سازد. به باور او، در عالم نظر موشکافی نقادانه ایده یا اسطوره خشونت مذهبی با معیارهای صوری و منطقی، همچون وضوح تعاریف و سازگاری درونی، چیزی از آن باقی نمی‌گذارد. اما بقای این اسطوره به واسطه موقعیت و جایگاهی است که در پیکربندی کلان دانش و قدرت غرب مدرن دارد. هرچند، بنابر اقتضات نظریه گفتمان فوکویایی، نفس اینکه کاوانا توانسته این اسطوره یا گفتمان را با موشکافی تحلیلی خود از قلمرو نااندیشیده اندیشه به روشنای آگاهی منتقل کند حکایت از آن دارد که پیکربندی دانش و قدرت مذکور به سرحدات خود رسیده است. این بدان معناست که جزم‌ها و مسلمات ضمنی موجود در نظم گفتمانی غرب مدرن اقتدار و نفوذ پیشین خود را از دست داده‌اند و یا در آینده از دست خواهند داد.